

اخلاق تربیت در سبک زندگی اسلامی

سید علی موسوی^۱

چکیده

موضوع اصلی مورد توجه در این مقاله، اخلاق تربیت در سبک زندگی اسلامی است. اهمیت فراوان سبک زندگی در حیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، و پیامدهای اساسی و مهم ناشی از آن موجب توجه و پرداختن اندیشمندان حوزه‌های مختلف به آن شده و بر همین اساس، علمای حوزه‌های مختلف از جمله جامعه‌شناسی، روانشناسی، مطالعات فرهنگی، انسان‌شناسی، پزشکی و دین‌پژوهان و ... هر یک به فراخور، بخشی از این پدیده را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در دنیای مدرن در کنار شناسه‌ها و تحولات آن نظیر گسترش و پیشرفت وسایل فناوری و ارتباطی، اسلام با تربیت انسان‌ها و با ارائه سبک زندگی خاص باعث رشد و شکوفایی و به کمال رسیدن بشر می‌گردد. در این نوشتار به مفهوم و اهداف تربیت در سبک زندگی اسلامی، تربیت الگویی و اجتماعی در سبک زندگی اجتماعی، اصل مسئولیت‌پذیری و جایگزینی ارزش‌های الهی در سبک زندگی اسلامی همچنین نقش معنویت در تربیت تحصیل کرده‌ها و نقش حکومت‌ها در شکل‌گیری سبک زندگی خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی

سبک زندگی، تربیت اسلامی، معنویت، مسئولیت‌پذیری، شخصیت انسان‌ها.

Email: s.alimosavi53@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۴/۲۱

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه مراغه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۰

مقدمه

برای تعریف سبک زندگی باید به متن و زمینه‌هایی که مفهوم سبک زندگی در آن‌ها به کار می‌رود، پرداخت. جامعه‌شناسان سبک زندگی را بخشی از زندگی اجتماعی روزمره جهان جدید می‌دانند که در زمینه‌های خاص قابل درک است. (چانی، ۱۳۷۶: ۱۰۷) گروهی بروز سبک زندگی را متأثر از مجموعه عوامل مؤثر درونی (انگیزه، شخصیت، احساسات، نگرش و باور) و بیرونی (فرهنگ، خرده فرهنگ، موقعیت اجتماعی، گروه‌های مرجع، خانواده، عوامل جمعیت‌شناختی و فعالیت‌های اقتصادی) می‌دانند. سبک زندگی امروزه در مرز تبدیل شدن به یک دانش است. شاید بیراه نباشد که بگوییم هم اکنون به دانش تبدیل شده است. (عظیمی نژاد، ۱۳۹۲: ۳۴-۳۵). این دانش، می‌خواهد متناسب با آرمانها و ارزش‌های تمدن غربی و بر پایه الگو و هنجارهای توسعه پایدار، عمق بیشتری از روابط انسانی را مدیریت پذیر کند (مهدیزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۳ و ۱۰۴)

عرصه زندگی در تجدد امروزی، تنوع غامضی از انتخاب‌های ممکن را پیش روی فرد قرار می‌دهد. در این میان با توجه به نقش فعال دین در جامعه به ویژه در سده‌های اخیر نمیتوان تأثیر آن و ارزش‌های دینی و اخلاقی را به عنوان یکی از متغیرهای اجتماعی تأثیرگذار در شیوه زندگی مورد اغماض قرار داد. باورها و ارزش‌ها در میان مردم مشترکند و به قضاوت شخصی افراد بستگی ندارند. اشخاص برای صیانت از ارزش‌ها و باورهایشان مبارزه می‌کنند و برای حفظ آنها می‌کوشند و چون کارکردهای عدیده‌ای دارند، نقش و تأثیر شگرفی در حیات فردی و اجتماعی ملت‌ها بر جای گذاشته و می‌گذارند.

اعتقادات دینی به عنوان مجموعه‌ای از باورها، بایدها و نبایدها و نیز ارزش‌های اختصاصی و تعمیم‌یافته، از مؤثرترین تکیه‌گاه‌های روانی به شمار می‌رود که قادر است معنای زندگی را در لحظه لحظه‌های عمر فراهم سازد و در شرایطی خاص نیز با فراهم سازی تکیه‌گاه‌های تبیینی، فرد را از تعلیق و بی‌معنایی نجات می‌دهد. (بدری گرگری، ۱۳۹۳: ۱۵۳).

بنابراین در یک جامعه دینی، افراد می‌کوشند براساس باورهایشان رفتار کنند. اعتقاد به باورها و عمل به آنها می‌تواند بر شیوه زندگی فردی و اجتماعی آنان تأثیرگذار باشد. منظور از اخلاق تربیت همان تربیت اخلاقی است یعنی چگونگی به کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی، برای توسعه و تثبیت صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی و نیل به فضایل عالی اخلاقی و دوری از رذیلت‌ها و نابود کردن آن‌ها است بنابراین در تربیت اخلاقی، رویکرد اصلی متوجه پرورش استعداد های اخلاقی و رسیدن به کمالات اخلاقی است و مباحث آن عمدتاً ناظر به راهکارهای عملی و ارائه توصیه‌هایی در باب عمل است و تأثیر تربیت اخلاقی بر سبک زندگی اسلامی مراد است. در سبک زندگی اسلامی اخلاق تربیت از اساسی‌ترین مسائل مربوط به

انسان است که در همه شئون زندگی، چه جنبه های فردی و چه جنبه های اجتماعی نقش مستقیم دارد. تربیت فرایندی است که باعث تغییر و تحول باطنی در فرد میشود و در پی کسب آن، فرد به آگاهی عمیق و بینش میرسد؛ راه را از بیراه تشخیص میدهد؛ قضاوت صحیح را به دست میآورد و به شایستگی اخلاقی می رسد. تربیت اخلاقی، فرد را برای حضور در اجتماع آماده میکند. و به او می آموزد که چه ضابطه ها و قانون ها و ارزشهایی بر جامعه حکم فرماست (شریف القریشی، ۱۳۶۲: ۱۱) با توجه به اهمیت و نقش تربیت اخلاقی در شکوفایی توانمندی های انسان در ادیان بویژه دین مبین اسلام، روش های مختلفی توصیه شده است. از دیدگاه اسلام، تربیت اخلاقی در سبک زندگی انسان نقش شگفت انگیزی دارد. شکوفایی استعدادها و ارزشهای والای انسان براساس تربیت اخلاقی است. انسان شدن انسان و دستیابی او به کمال نهایی، همه مرهون تربیت صحیح است. تربیت اخلاقی میتواند به رشد و ارتقای جسمی و روحانی انسان یاری، و نیازهای فردی و اجتماعی و اقتصادی انسان را تأمین کند. تمام امور زندگی بشر با تربیت اخلاقی ارتباط دارد. از نظر اسلام کسی که از تربیت اخلاقی بی بهره است هم چون کسی است که در بیابان خشکی سرگردان و متحیر است و نمی داند از کدام راه برود تا به سرمنزل مقصود برسد (صانعی، ۱۳۷۸: ۳۰). خداوند در قرآن کریم فرموده است: هو الذی بعث فی الأمیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه (سوره جمعه آیه ۲) پیامبران برای تزکیه و تعلیم بشر برانگیخته شده اند که آیات خدا و کتاب حکمت را به آنان تعلیم دهند. در این نوشتار در پی یافتن راهکارهایی برای اخلاق تربیت در سبک زندگی اسلامی هستیم.

ارتباط اخلاق و تربیت در سبک زندگی اسلامی

تربیت عبارت از مجموعه ای از اعمال عمدی و هدف دار یک انسان (مربی) بر انسان دیگر (متربی) برای ایجاد صفت های اخلاقی است. به سخن دیگر، تربیت فراهم کردن زمینه ها و عوامل شکوفایی استعداد های آدمی است، در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف های مطلوب و بر اساس برنامه ای سنجیده. (فلسفه تعلیم و تربیت، ۱۳۷۲، ۳۶۶) از سوی دیگر، انسان ابعاد مختلفی دارد، مانند مادی و جسمانی، علمی، عاطفی، اخلاقی و دینی. علم اخلاق با شناسایی صفت های پسندیده و ناپسند و رفتارهای متناسب با آن ها و با به کار بستن روش های مناسب در صدد است بعد اخلاقی انسان را جهت داده آن را در مسیر رشد و کمال هدایت کند در حالی که تربیت بر آن است تا همه ی ابعاد وجودی انسان، از جمله بعد اخلاقی او را به رشد و کمال رساند بنابراین هدایت بعد اخلاقی انسان در سبک زندگی اسلامی به سوی رشد و کمال، در علم اخلاق و تربیت مشترک است. (داودی، ۱۳۸۸، ۲۶)

در تربیت اخلاقی رویکرد اصلی متوجه پرورش استعداد های اخلاقی و رسیدن به کمالات

اخلاقی است. تربیت اخلاقی بخش مهمی از علم اخلاق را تشکیل می دهد و چون مباحث آن ناظر به راهکارهای عملی در سبک زندگی اسلامی و ارائه توصیه هایی در باب عمل است، گاهی از این بخش تحت عنوان اخلاق عملی یاد می شود. (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۹۴، ۱۸)

در نهایت باید گفت چگونه می توان وضعیت موجود نامطلوب را در سبک زندگی اسلامی به موقعیت مطلوب ناموجود تغییر داد به عبارت روشن تر روش های تربیت اخلاقی یا اخلاق تربیت در سبک زندگی اسلامی کدام است؟ که در ذیل به مواردی از آن ها اشاره می گردد:

(۱) ایجاد محیط تربیتی مساعد

یکی از عوامل مهم تکریم و تغییر انسان، شرایط مختلف محیطی اعم از زمان، مکان و محیط اجتماعی است. در بسیاری از موارد، دست کاری محیط و فراهم نمودن محیط تربیتی مساعد و مناسب، می تواند رفتار، افکار و خصلت های مرتبی را تغییر دهد و ویژگی های جدید را جایگزین سازد. مبنای روان شناختی این روش، اصل تاثیرپذیری انسان از شرایط محیطی است که در ضمن نظریه های شرطی سازی کلاسیک (همراهی و همنوایی برخی رفتارها با بعضی دیگر موجب تثبیت آن ها می شود)، شرط سازی کنشگر (به رفتار های خاصی در یک محیط پاداش داده می شود) و یادگیری اجتماعی (تبعیت از الگوهای خاص با مشاهده رفتار) بیان می شود. این روش به طور عمده از طریق دیگران و اولیای فرد اعمال می شود ولی خود فرد نیز می تواند تا حدی موثر باشد. شیوه هایی که برای محقق ساختن این روش لازم است:

الف_ زمینه سازی: مقصود این است که با فراهم نمودن بستر مناسب در سبک زندگی اسلامی، امکان پدید آمدن فضایل اخلاقی را در حد بالایی فراهم آوریم و برعکس از ایجاد زمینه هایی که باروری منفی دارد و می تواند رذایل اخلاقی را بپرورد، پیشگیری کنیم.

ب_ الگو سازی: می توان گفت، سازندگان اصلی هر محیط در سبک زندگی اسلامی، نخبگان و سردمداران آن جامعه و محیط اند. بنابراین یکی از شیوه های ایجاد محیط تربیتی مساعد در سبک زندگی اسلامی، پدید آوردن الگوهای شایسته در آن محیط و طرد الگوهای ناشایست است. وجود الگوهای محبوب در جامعه، به خودی خود افراد آن محیط را به سوی آنان سوق می دهد و مکارم اخلاقی ایشان را، دیگران الگو برداری می کنند.

آلبرت بندورا (۱۹۷۸) که از واضعان نظریه یادگیری اجتماعی است، مهمترین نوع یادگیری انسان را، یادگیری مشاهده ای می داند که همان تقلید یا سرمشق گیری است. فرد با انتخاب یک الگو یا سرمشق، به تقلید رفتار آن می پردازد. بندورا، این نوع یادگیری را بر چهار مرحله توضیح می دهد:

مرحله توجه، به یاد سپاری، بازآفرینی و انگیزشی. ویژگی های حالت تمایز، بار عاطفی، پیچیدگی، برجستگی و ارزش کاربردی در سرمشق، و ظرفیت حسی، سطح برانگیختگی، آمادگی

ادراکی و تقویت پیشین در مشاهده گر به عملکرد منطبق با رفتار سرمشق مساعدت می کند. (سیف، ۱۳۶۸، ۳۱۴)

چ_ سالم سازی محیط: عناصر و افراد ناسالم، در هر محیط به طور طبیعی وجود دارند. بدون تردید محیط فاسد و ناسالم امر تربیت اخلاقی را دشوار و چه بسا ناممکن می سازد از این رو سالم سازی محیط که تقریباً در سبک زندگی اسلامی معادل احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. وظیفه ای عقلی_ انسانی و نیز تکلیفی دینی بر همگان است. مقصود از این شیوه، ایجاد و احیای خوبی ها و حذف و طرد امور ناپسند، در میا آحاد جامعه اسلامی است و ابعاد امر به معروف و ونهی از منکر در حقیقت تسهیل کننده ی تربیت اخلاقی در جامعه اسلامی و به سبک زندگی اسلامی است. (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۹۴، ۱۶۶)

۲) پرورش نیروی عقلانی

در این روش تاکید اصلی بر بعد شناختی انسان است. قرآن کریم و تعالیم معصومین بر این روش تاکید دارند و به حدود و ثغور و موانع و عرصه های آن پرداخته اند. قرآن واژه های تعقل، تفکر، تفقه، تدبیر، حکمت، علم و فهم را برای استفاده از این روش به کار برده است. آیات قرآن نهی از تقلید و پیروی کورکورانه از گذشتگان (زخرف، ۲۳، ۲۲)، نکوهش کسانی که تعقل نمی کنند (انفال، ۲۲)، دعوت به ژرف نگری (یوسف، ۱۰۵) و ترغیب بر انتخاب احسن (زمر، ۱۸) و ... به پرورش نیروی عقلانی و شناخت مخاطبان خود می پردازد. روایات نیز عقل و تعقل را در جایگاهی برجسته نشانده و نقش آن را در تربیت اخلاق انسان به طور خاص مورد توجه قرار داده است. (کلینی، ج ۱، باب جنود عقل و جنود جهل)

۳) نظارت بر خود

این روش کاملاً به صورت خود تربیتی انجام می شود. مقصود از نظارت بر خود این است که فرد با هوشیاری و مراقبت کامل نسبت به ارزش های اخلاقی پذیرفته شده بکوشد. رفتارهای منافی با فضایل اخلاقی به حریم او راه نیابند و باعث سستی و زوال ملکات اخلاق او نگردند. نظارت بر نوع و چگونگی واردات و صادرات که شامل نیات و انگیزه ای ما نیز می شود، می تواند در جهت دهی شاکله ای که محصول آن ها است، موثر بلکه تعیین کننده باشد. در شیوه ی تربیت اخلاقی، عرفای شیعه در دویست سال اخیر (مانند ملا حسینقلی همدانی، میرزا علی آقا قاضی، مرحوم بهاری همدانی، حاج میرزا جواد تبریزی، تا مرحوم علامه طباطبایی و امام خمینی) بر روش نظارت بر خود (مراقبه و محاسبه) بسیار تاکید داشته و اساس سلوک خود قرار داده اند. (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۹۴، ۲۲۳ و ۲۲۴)

مفهوم تربیت در سبک زندگی اسلامی

در سبک زندگی اسلامی واژه تربیت با توجه به ریشه آن به معنی فراهم کردن موجبات فزونی و پرورش است علاوه بر این، تربیت به معنی تهذیب و تزکیه نیز استعمال شده که به معنی زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است، با این برداشت که تهذیب اخلاقی مایه فزونی مقام و منزلت معنوی است و از این حیث میتوان تهذیب را تربیت دانست. چنان که در قرآن کریم از تربیت و پرورش روح و روان انسان تعبیر به تزکیه شده است:

چنانکه از میان شما پیامبری فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت کند و نفوس شما را از پلیدی و آلودگی جهل و شرک پاک و منزّه گرداند و به شما تعلیم حکمت و شریعت دهد و از او هرچه را نمی دانید، بیاموزید (بقره ۱۵۱) و این معنی را در آیات دیگری از کلام الهی نیز برداشت می کنیم. (آل عمران، آیه ۱۶۴ و جمعه آیه ۲)

اهداف تربیت اخلاقی در سبک زندگی اسلامی

از دقت نظر و مقایسه دیدگاه اسلام با نظریات رایج در عرصه تربیت می توان دریافت که نظام آموزشی اسلام یک نظام رئالیستی است؛ چون به محیط طبیعی، علوم طبیعی و پرورش تعقل و استعداد آدمی توجه دارد و از طرفی با تاکید بر اصل تربیتی گذر از ظاهر به باطن دارد در پس همه این واقعیت ها آدمی را به سوی حقیقت های بنیادی رهنمون می سازد. همچنین چنین رویکردی در نظام آموزش و پرورش اسلامی یادآور این واقعیت نیز هست که آموزش و پرورش، دو مفهوم گسسته از هم نیست که هر کدام در حیطه ای جداگانه ترسیم شود، و به کار خود ادامه دهد، بلکه باید این دو را بسیار به هم نزدیک دید. "عموماً معتقدند که در مدرسه، همه مسئولیت تربیت اخلاقی از جمله تربیت دینی و اعتقادی بر عهده مربیان پرورشی مدرسه است. وظیفه اصلی دیگران، حتی معلمان دینی و قرآن، انتقال مفاهیم درسی است نه تربیت دانش آموزان." (داودی، ۱۳۹۰، ۱۴۲)

با توجه به این توضیحات، ویژگی های اصلی نظام آموزش و پرورش اسلامی با توجه به اصل تربیتی گذر از ظاهر به باطن به این شرح است:

۱- نظام آموزش و پرورش اسلامی باید دو مفهوم آموزش و پرورش را در همپوشانی با هم ببیند.

۲- نظام آموزش و پرورش اسلامی باید به عمق بخشیدن تفکر دانش آموزان با ابزار و امکانات موجود از جمله برنامه درسی، معلم، تجهیزات و امکانات تحقق بخشد.

۳- نظام آموزشی اسلام باید از روشهای تعقل و مشاهده و آزمایش با رویکرد پژوهشی کاشفانه، حداکثر استفاده را در تحقق بینش عمیق نسبت به حقایق علوم مختلف فراهم آورد.

۴- ایجاد بسترهای زمانی و مکانی ای که باعث تأمل و تعمق بیشتر میگردد. اردوهای علمی و گردش در طبیعت نمونه خوبی از این اقدام است.

۵- نظام آموزش و پرورش اسلامی، باید از تمام ظرفیت خود در جهت رسیدن به این اصل تربیتی و تحقق آن در جامعه اسلامی استفاده کند. آموزش و پرورش بخش بسیار مهم، اساسی و زیرساخت اصلی برای شکل گیری جامعه ی پیشرفته و برخوردار از خصلت های والای انسانی و زمینه ساز دگرگونی به سبک زندگی اسلامی ایرانی است. (جعفریان، میرزا محمدی، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۹)

تربیت الگویی در سبک زندگی اسلامی

از مهمترین روشهای تربیت دینی، که در سبک زندگی اسلامی به آن توجه خاصی شده روش تربیت الگویی است. تربیت الگویی با فطرت آدمی متناسب است که انسان، نمونه عینی را مطلوب میبیند و سعی میکند که با او همسان شود و در همه کارها از او پیروی کند. روش الگویی، فراگیر است؛ چرا که انسان در همه مراحل زندگی خود به الگو نیاز دارد. الگوها در تربیت انسان نقش مهمی دارند. روش الگویی در ساختن شخصیت افراد و رفتار آنها روشی مؤثر است (بهشتی، ۱۳۸۸: ۱۳۸). بررسی آموزه های اسلامی حاکی است که روش تربیتی الگویی از سه مؤلفه الگودهی، الگوپردازی و الگوزدایی تشکیل شده است. الگودهی به معنای ارائه الگوهای مثبت و واقعی است؛ یعنی الگوهایی که در خارج تحقق یافته و قابل مشاهده اند. الگوپردازی به معنای توجه به الگوهای مطلوب و بیان و توصیف ویژگی های آنان است به گونه ای که مربی را به تخیل و تجسم الگو یا صحنه واقعه ای بکشاند. الگوپردازی از طریق بیان داستانها و افسانه های خیالی صورت می گیرد. الگوزدایی به این معناست که الگوها و شخصیتهای منفی چنان ترسیم می شوند که نوعی دلزدگی و نگرش منفی در مربی نسبت به شخصیت های منفی پدید می آید. مربی در این شیوه با ارائه الگوهای منفی و توصیف پیامد بد آنها، نوعی نگرش مثبت در جهت عکس آنها در مربی ایجاد میکند که به دو صورت است: در صورت اول مربی صفات، ویژگی ها و نشانه های الگوهای منفی را بیان میکند. در صورت دوم مربی با نهی مستقیم، مربی را از همراهی و مصاحبت با الگوهای بد منع میکند (نساجی زواره، ۱۳۴۵: ۴۵).

نقش الگوها چنان مهم است که صلاح و فساد جوامع بشدت از آنان تأثیر می گیرد. اگر الگوها منحرف شوند، این انحراف باعث انحراف جامعه میشود؛ انسانیت تباہ میشود و باعث فتنه و شبهه در میان مردم میگردد (نساجی زواره، ۱۳۴۵: ۱: ۵۲). با توجه به اهمیت روش الگویی بویژه زمانی که افراد به دنبال کسب هویت هستند، شناخت ابزارها و امکانات اهمیت بسزایی دارد که الگوهای مناسب را معرفی کند.

تربیت اخلاقی اجتماعی در سبک زندگی اسلامی

در سبک زندگی اسلامی انسان موجودی فطرتاً اجتماعی دانسته می شود و انسان در ذاتش گرایش به زیستن با جمع را در خود دارد. هر فرد انسانی فطرتاً اجتماعی است و با توجه به این خصیصه اجتماعی، به کمک دو نیروی علم و اراده به تدریج به حد کمال می رسد و همچنین با عنایت به نکات فوق و بررسی های انجام شده در نهج البلاغه مشخص می شود که دیدگاه حضرت علی راجع به تربیت اجتماعی، دیدگاه خدا محورانه است. حضرت به تربیت اجتماعی ای که انسان را به اصلاح رابطه اش با خدا و دیگران بکشاند، معتقد است: «کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند، میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امر آخرت را اصلاح کند، خدا امر دنیا را اصلاح می کند». (نهج البلاغه، حکمت ۸۹، ۴۵۶)

پس در تربیت اجتماعی مورد نظر سبک زندگی اسلامی ما به دنبال ملاک های صرفاً دنیایی و مورد تأیید جامعه و یا بعضی از دولتمردان یک کشور نیستیم، بلکه آنچه ملاک تأیید ارزش ها در تربیت اجتماعی است، ملاک حق می باشد.

همچنین انسان موجودی است که در تعامل با جامعه و روابط و مناسبات اجتماعی رشد می کند و به همان نسبت که از نظر آثار وجودی خویش بر اجتماع تأثیر می گذارد، این آثار و خواص وجودی، با تشکیل هویتی مستقل، یک موجودیت اجتماعی را پدید می آورد که به نحو مقتضی فرد را تحت تأثیر و تربیت خویش قرار می دهد. با توجه به چنین تعاملی است که حضرت امیر به تأثیر تربیتی محیط اجتماع پرداخته و اهمیت و نقش آن را در سازندگی شخصیت فرد یادآور شده است. چنان که در نامه ای به حارث همدانی وی را به نوع روابط اجتماعی و تأثیر آن بر مناسبات اجتماعی توجه داده و نقش تربیتی آن در شهرهای بزرگ سکونت کن، زیرا مرکز اجتماع مسلمانان است و از جاهایی که مردم آن از یاد خدا غافلند، و به یکدیگر ستم روا می دارند، و بر اطاعت از خدا به یکدیگر کمک نمی کنند، پرهیز. (نهج البلاغه، نامه ۶۹)

اصل مسئولیت پذیری در سبک زندگی اسلامی

در سبک زندگی اسلامی مبنای تأثیرگذاری انسان، بیانگر این حقیقت است که وی نباید از تأثیرگذاری بر شرایط طفره رود و خود را بی توجه و بی مسئولیت نشان دهد، هرچند که او نمی تواند در همه موارد زندگی تأثیرگذار باشد. اصل مسئولیت، بیانگر این حقیقت است که بایستی مقاومت فرد را در قبال شرایط افزایش داد و او را آن چنان گرداند که به جای پیروی از فشارهای بیرونی، از رهیافت های درون خود تبعیت کند. این پیروی از رهیافت های درونی را احساس مسئولیت یا احساس تکلیف می نامیم. لازم به ذکر است گرچه باید و قوانین بیرونی

الزامآور هستند، اما ممکن است فرد در مقابل آن احساس مسئولیت نکرده و به آن بدبین باشد و آن را عمل نکند. در بحث تربیتی، منظور از احساس مسئولیت این است که متریبان را به گونه ای پرورانیم که آموخته های ارائه شده را درونی کنند و با طیب خاطر پذیرفته و عملی نمایند نه اینکه با اکراه و اجبار، وادار به کاری شوند. اگر شخص با باور درونی به حقیقت مطلبی اذعان کرد، تا حد زیادی به رعایت و حفظ مسئولیت خود در قبال آن امر پای بند خواهد بود. درحقیقت اگر انسان از درون خود احساس مسئولیت و وظیفه کند، دست به کار شده و به وظیفه خود عمل می کند و موانع و عوامل بیرونی نیز نمی توانند جلوی ادای وظیفه او را بگیرند. درحقیقت، قدرت تأثیرگذاری باور درونی هر انسان در انجام یک وظیفه، از هر عامل یا قانون بیرونی بیشتر می باشد. حضرت علی خود را مسئول ترین افراد جامعه معرفی نموده و در راه ادای مسئولیت از بسیاری امور چشم پوشی می کند. حضرت می فرماید: من اگر میخواستم می توانستم از غسل پاک و مغزگندم و بافته های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم کنم، اما هیبهات که هوای نفس من بر من چیره گردد ... درحالی که در حجاز و یمامه کسی باشد که به قرص نانی نرسد یا شکم سیری نخورد. (نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۳۹)

همچنین حضرت، احساس وظیفه و مسئولیت را علت پذیرش خلافت مسلمین بیان می فرماید: اگر حضور حاضران نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی کردند و خداوند از علما پیمان نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را رها می کردم. (نهج البلاغه، خطبه ۳، ص ۳۰)

نقش معنویت در تربیت اخلاقی تحصیل کرده ها و تاثیر آن در سبک زندگی اسلامی

آنچه که مسئولان، پژوهشگران و برنامه ریزان حوزه آموزش عالی را وادار کرده تا موضوع معنویت را در آموزش عالی مورد توجه قرار دهند به عوامل متعددی برمی گردد که برخی از آنها از این قرارند: اختلاط گسترده فرهنگ های مختلف که خود در پی گسترش پدیده مهاجرت رخ داده است، تغییرات گسترده در نگرش ها و شیوه های زندگی دانشجویان، مشاهده عمیق تر شدن فاصله بین نسل ها، عدم کارایی دانشگاه ها در پرورش جنبه های معنوی و دینی دانشجویان و حتی شدت گرفتن افت تحصیلی در میان دانش آموزان و دانشجویان. در میان کسانی که به موضوع معنویت پرداخته اند گفته شد که برخی از متدینان این موضوع را یک تهدید تلقی کرده و آن را بدیلی برساخته برای دین دانسته اند. اما همانطور که اشاره شد دنیای امروز به شکل روزافزونی ارتباط های خود را بیشتر می کند. این روندی است که تغییری برای آن تصور نمی رود. لذا باید به لوازم زندگی در این جهان توجه داشت و خود را برای یک زیست سالم در آن آماده کرد. این مسئله گاهی مستلزم به کارگیری نگاه های جدید در ارزیابی امور

قدیمی است. معنویت چه بسا چندان جدید نیست اما نگاه نو به آن می تواند ما را واجد یک ظرفیت جدید کند. این پیشنهادی است که مقاله ارائه می دهد. برای عملیاتی کردن آن هم رویکرد دانش اخلاق بنیان را پیشنهاد می دهد. زیرا گرایش به معنویت در فعالیت های استادان و دانشجویان نتیجه منطقی کشف جوهر اخلاقی دانش و فعالیت های دانشی است. رویکرد پیشنهادی برای تأمین گرایش به معنویت به خصوص برای به کارگیری در سطوح عالیتر آموزش مناسب تر میباشد. (صفائى مقدم، ۱۳۸۹: ۱۰۶-۱۰۵)

از دیگر مظاهر معنویت گرایی کل نگرانه یکی دانستن حوزه های نظر و عمل است. دانایی به تعبیر منابع دینی ما نور و روشنایی است پس عبادت در عین حال که عمل است اما تجلی یک آگاهی ژرف است. این نوع عبادت است که در حالیکه محصول یک دانایی است اما به تعمیق همین دانایی هم منجر میشود. به عبارت دیگر، پا نهادن در عرصه ایمان و عبادت دانایی بنیان، به افزایش بصیرت و آگاهی عمیق می انجامد. و از اینروست که خداوند می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا ان تتقوا الله يجعل لکم فرقانا» (ای مؤمنان اگر تقوی پیشه کنید، خدا به شما فرقان یعنی وسیله تمیز حق از باطل و درست از نادرست عنایت می فرماید) (سوره ۸ آیه ۲۹) و باز میفرماید: «واتقوا الله و یعلمکم الله والله بکل شیء علیم» یعنی، تقوی پیشه کنید تا خداوند به شما دانش بیاموزد و خدا از همه چیز آگاه است (سوره ۲ آیه ۲۸۲). این به معنای آن است که تحقق دانش در تمامیت خود همراه است با تجلی جوهر معنوی و اخلاقی آن. (صفائى مقدم، ۱۳۸۹: ۱۰۷)

تحکیم ارزش های الهی در سبک زندگی اسلامی

در سبک زندگی اسلامی و در اخلاق تربیت الهی، نکوهش دنیاطلبی و دنیا دوستی مطرح است و دنیا پلی برای رسیدن به آخرت معرفی شده است. در چنین سبکی به مردم و کارگزاران حکومتی در موارد متعدد اعلام می شود که دنیا فریب کار است و آحاد مردم به عدم دل بستن به دنیا تشویق می شوند. امام علی علیه السلام در این خصوص می فرماید: مردم از دنیای حرام بپرهیزید که حيله گر و فریبنده و نیرنگ باز است؛ بخشنده ای بازپس گیرنده و پوشنده ای برهنه کننده است. آسایش دنیا بی دوام و سختی هایش بی پایان و بلاهایش دائمی است. (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰، ص ۳۳۳، پ ۲)

همچنین امام علیه السلام در همین زمینه در بدرقه ابوذر هنگام تبعید، این صحابی بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله به ربه فرموده اند: ای اباذر، همانا تو برای خدا به خشم آمدی؛ پس امید به کسی داشته باش که به خاطر او غضبناک شدی. این مردم برای دنیای خود از تو ترسیدند و تو بر دین خویش از آنان ترسیدی؛ پس دنیا را که به خاطر آن از تو ترسیدند به

خودشان واگذار و با دین خود که برای آن ترسیدی از این مردم بگریز. این دنیاپرستان چه محتاجند به آنچه تو آنان را از آن ترساندی و چه بی نیازی از آنچه آنان تو را منع کردند و بزودی خواهی یافت که چه کسی فردا سود می برد و چه کسی بر او بیشتر حسد می ورزد؟ اگر آسمان و زمین درهای خود را بر روی بنده ای ببندد و او از خدا بترسد، خداوند راه نجاتی از میان آن دو برای او خواهد گشود. آرامش خود را تنها در حق جستجو کن و جز باطل چیزی تو را به وحشت نیندازد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۰، ص ۱۷۵، پ ۳)

نقش حکومت هادر شکل گیری سبک زندگی ها

در سه دهه اخیر، دو جریان تکامل بخش بین المللی شدن و جهانی شدن منجر به درک اهمیت عامل فرهنگ و شناخت فرهنگ در سطوح مختلف شده است. در آغازین قرن هزاره سوم، جهانی شدن در حال فراگیری و نهادینه کردن تحولات در حوزه های مختلف است. یکی از ابعاد جهانی شدن، گسترش گفتمان غالب است. در اینجا این سؤال مطرح میگردد که برای مقابله با این یکپارچگی یا گفتمان غالب در حوزه سبک زندگی چه باید کرد؟ بسیاری معتقدند سبکهای زندگی فردگرا و مصرف گرای غربی به لحاظ زیست محیطی، پرهزینه ترین سبک های زندگی در دنیا هستند و به نظر نمی رسد مشکلات دنیای امروز بدون تغییر در رفتار یا همان سبک زندگی قابل حل باشند. از سوی دیگر، در شرایطی که یکپارچگی جهانی تمایل دارد اجتماعات را سنت زدایی کند (گیدنز، ۱۳۷۹: ۶۰)، پاس داشت سنت ها، میتواند راه را در مسیر اعتلای هویت فرهنگی هموار کند (یحیایی، ۱۳۸۸). تمامی دولتها تلاش می کنند سبک زندگی متناسب با فرهنگ خود را تقویت کنند. تردیدی نیست که لایه های عینی سبک زندگی، مدیریت پذیر و قابل تغییر است. این تغییرات، در سالهای اخیر با گسترش ارتباطات سریعتر رخ می دهند. بسیاری از تحولات سبک زندگی در حوزه رفتاری، با کسب مهارت های فرهنگی قابل پیشگیری است. با توجه به اهمیت زبان در حفظ هویت، متخصصان تنها راه کاستن از تأثیرگذاری گفتمان غالب را تقویت گفتمان های بومی می دانند. البته این امر نیازمند مشارکت نهادهای مولد گفتمان مانند رسانه است. (عظیمی فرد، ۱۳۹۲: ۴۲)

نتیجه گیری

در سبک زندگی اسلامی در اثر تربیت اخلاقی انسان ها یک زندگی سالم فردی و اجتماعی شکل می گیرد و در یک زندگی سالم اجتماعی افراد قوانین، حدود و حقوق یکدیگر را محترم می شمارند، عدالت را امری مقدس به حساب می آورند، به یکدیگر مهر می ورزند، به یکدیگر اعتماد و اطمینان دارند، هرفردی خود را متعهد و مسئول اجتماع خویش می شمارد، در سر ی ترین نهانخانه همان تقوا و عفاف از آنها بروز می کند که در مألعم درنهایت بی طمعی به

یکدیگر نیکی می کنند، در مقابل ظلم و ستم پیا می خیزند و به ستمگر و فسادگر مجال ستمگری و افساد نمی دهند، ارزش های اخلاقی را محترم می شمارند، و با یکدیگر مانند اعضای یک پیکر متحد و متفق می باشند.

بی گمان روابط سالم اجتماعی و مناسبات معتدل و عاطفی بر پایه کرامت انسان و توأم با عدالت و انصاف تأثیری سازنده بر تربیت اخلاقی مردم دارد؛ و روابط ناسالم اجتماعی و مناسبات غیرمعتدل برخاسته از افراط و تفریط بر پایه حقارت انسان و توأم با ستمگری و تبعیض تأثیری مخرب بر تربیت افراد دارد. به عبارت دیگر، سلامت دین و دنیای مردم به سلامت اجتماع بستگی دارد. از این روست که تربیت اخلاقی افراد جز با اهتمام به تربیت اجتماع و ایجاد تحولات در جهت اهداف تربیتی به درستی ممکن و میسر نیست. چراکه زمینه بسیاری از کجروی ها، انحرافات، ناسازگاری ها و انحطاط های اخلاقی که در سطح وسیع روزگار حال و آینده نسل بشر را تهدید می کند، حاصل اجتماع و محیط ناسالم است. به تبع برخوردار بودن انسان از ابعاد گوناگون، تربیت نیز ابعادی دارد که شامل تربیت اخلاقی، دینی، عاطفی، جسمی، اجتماعی و ... می شود. هریک از این ابعاد در متون اسلامی و سیره معصومین مورد توجه قرار گرفته اند.

فهرست منابع

منابع فارسی

قرآن کریم

نهج البلاغه امام علی علیه السلام

۱. بدری گرگری، رحیم (۱۳۹۳). "تأثیر جهت گیری های مذهبی و روش های مقابله مذهبی بر اعتیاد پذیری دانشجویان دانشگاه تبریز" فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره بیست و هشتم، زمستان ۱۳۹۳
۲. بهشتی، محمد (۱۳۸۸) آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران:
۳. چانی، دیوید (۱۳۷۶) "سبک زندگی" ترجمه حسن چاوشیان. فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۱۰ و ۱۱: بهار و تابستان
۴. جعفریان، حسین، میرزامحمدی، محمد حسن، (۱۳۹۴) "تبیین نقش و جایگاه اصل تربیتی "گذر از ظاهر به باطن" در سبک زندگی اسلامی و تأثیر آن بر شکل گیری تمدن نوین اسلامی " فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۲۹ زمستان ۱۳۹۴
۵. صانعی، سید مهدی (۱۳۷۸) " پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی ". مشهد:
۶. مهدیزاده، حسین (۱۳۹۰) آینده: ... و سبک زندگی: تبدیل شدن سبک زندگی به یک دانش مستقل. سوره اندیشه، شماره ۵۴ و ۵۵: آذر و
۷. صفایی مقدم، مسعود (۱۳۸۹) "مطالعه تحلیلی نهضت معنویت گرایی و ارائه رویکردی برای آموزش عالی معنویت گرا" فصلنامه : راهبرد فرهنگ، سال سوم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۸۹ سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار
۸. گیدنز، آ. (۱۳۸۵). تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر
۹. داوودی، محمد (۱۳۹۰). نقش معلم در تربیت دینی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۱۰. یحیایی، سبحان (۱۳۸۸) "مطالعه انگاره های هویت فرهنگی و هویت ملی ملت های ایران و افغانستان" فصلنامه مطالعات ملی، سال دهم
۱۱. عظیمی فرد، فاطمه (۱۳۹۲) "گفتمان سبک زندگی، رسانه و جهانی شدن" فصلنامه : مطالعات سبک زندگی // سال دوم، شماره ۳، بهار
۱۲. امیرپور، مهناز، گریوانی، مریم (۱۳۹۲) "تأثیر شبکه های اجتماعی بر سبک زندگی جوانان" فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی،
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ۱ جلد، دارالاضواء، ۱۴۰۴ ق
۱۴. دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، نشر معارف، ۱۳۹۴ ش
۱۵. داوودی، محمد، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، نشر معارف، ۱۳۸۸، ش
۱۶. سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی، آگاه، ۱۳۶۸، ش
۱۷. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، سمت، ۱۳۷۲، ش

